

چنته ی خالی الاهیات

نوشته ی: ریچارد داوکینز

ترجمه ی امیرغلامی

گردآوری: آرشام پورآریا

کانون خرافه ستیز میترائیسم

Arsham.puraria@gmail.com

اخیراً روزنامه ی ایندیندنت در مقاله ای خواهان آشتی میان علم و "الاهیات" شده بود. نوشته بودند که "مردم می خواهند هر قدر که می توانند در مورد منشاء خود بدانند." من هم مطمئناً امیدوارم که چنین شود، اما اصلاً چرا باید الاهیات چیز قابل گفتنی در این مورد داشته باشد؟

علم مسئول کسب معرفت در مورد منشاء ماست. ما تقریباً می دانیم که جهان کی آغاز شده است و چرا عمدتاً مملو از هیدروژن است. می دانیم که چرا ستارگان تشکیل شده اند و در درون شان چه می گذرد که هیدروژن را به دیگر عناصر تبدیل می کند و به این ترتیب کنش های جهان فیزیکی به تولد شیمی می انجامد. ما آن اصول بنیادی را می دانیم که مطابق آنها جهان شیمی میتواند از طریق ساخت مولکول های باز تولید کننده ی خود به زایش زیست شناسی بیانجامد. می دانیم که مولکول های باز تولید کننده ی خود چگونه می توانند، مطابق انتخاب داروینی، به پیدایش حیات و از جمله حیات انسان منجر شوند. علم و تنها علم است که این دانستنی ها را به ما ارزانی داشته، و به طور شگفت آور و با انسجام فزاینده ای جزئیات شان را بر ما آشکار کرده است. دیدگاه های الاهیاتی در مورد هر یک از این موضوعات کاملاً غلط از آب درآمده اند. علم توانسته است که آبله را ریشه کن کند، در مقابل بسیاری از ویروس هایی که پیش تر کشنده بودند ایمنی ایجاد کند، و اغلب باکتری های مهلک سابق را از بین ببرد. الاهیات کاری نکرده جز اینکه در مورد طاعون به عنوان نتیجه ی گناهکاری موعظه کند. علم می تواند زمان ظهور بعدی ستاره های دنباله دار را، و هنگام خورشید گرفتگی ها را پیش بینی کند. علم توانسته انسان را بر کره ی ماه بنشانند و سفینه ها را به گرد مشتری و زحل به پرواز درآورد. علم می تواند سن فسیل ها را برایمان تعیین کند و به ما بگوید که کفن تورین یک حقه ی قرون وسطایی است. علم نحوه ی دقیق عملکرد DNA ی چندین ویروس را می داند و، در طی عمر بسیاری از خوانندگان این مطلب، همین مطلب را در مورد ژنوم انسانی نیز خواهد دانست.

اصلاً الاهیات تا به حال چه گفته که ذره ای به کار کسی بیاید؟ الاهیات چه گفته که بتوان درستی اش را نشان داد و همگان آن را ندانند. من به سخن الاهیون گوش داده ام، آثارشان را خوانده ام، و با آنها به بحث پرداخته ام. هرگز نشنیده ام که هیچ کدام شان چیزی بگویند که اندک فایده ای داشته باشد، چیزی که نه حقیقتی پیش پا افتاده، و نه سراپا غلط باشد. اگر فردا همه ی دستاوردهای علم نابود شوند، نه دکترای جز دکترا علفی ها نخواهد ماند، نه نقلیه ای جز اسب خواهد بود، نه کامپیوتری نخواهد بود، نه کتاب چاپی ای می ماند، و نه کشاورزی ای جز زراعت دهقانی. اما اگر فردا همه ی دستاوردهای الاهیون نابود شوند، آیا اصلاً کسی کمتری تغییری حس خواهد کرد؟ در این صورت حتی دستاوردهای بد علم، مانند بمب ها، و کشتی های شکار نهنگ که با سونار هدایت می شوند نیز کار خواهند کرد! دستاوردهای الاهیون هیچ کاری نمی کنند، هیچ تأثیری بر چیزی ندارند، هیچ معنایی ندارند. اصلاً چرا فکر می کنند که "الاهیات" یک رشته است؟